

چپ و راست



فرید سیاوش

یاد ما داده بودند که هرگاه به بیت الخلا رفتیم پای چپ ما را اول بگذاریم و هنگام رفع حاجت کدام دعا را بخوانیم تا حاجت، حاجتمندانه رفع زحمت کند. سهواً در آن بیت مهم پای راستم را پیش گذاشتم و بیت الخلا شد، خلا البیت.

در سیاست با پای چپ داخل شدن زندان و زنجیر و زولانه داشت؛ فهمیده و دانسته با پای چپ داخل سیاست شدم بدین فکر که راسته ها را میتوان چپه گردان کرد؛ اما نشد. خودم چپه گردان شدم و جمعی سرگردان یا در زندان و یا در صف تیرباران....

هنوز عقل دندان نکشیده بودم که نامزد شدم؛ حالا دو نامزد داشتم سیاست و سیاسی، که با سیاست نامزد بازی و با نامزد سیاست بازی میکردم.

با آنکه میدانستم دختران وقتر از پسران بالغ میشوند و هوشیارتر اند، ولی شب زفاف در حجله یادم آمد که فرموده بودند در کدام مراحل باید کدام دعا را بخوانم، اما در وقت حساس یادم رفته بود کدامین دعا؟! عاجل و چشم پت این دعا را خواندم:

اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَأَعِفَّهُ وَأَسْتُرْ عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ. "خدایا عضو جنسی ام را از گناه نگاهدار و آن را از آثار گناه پاک کن و عورتم را بیوشان و آتش را بر من حرام کن".

و هنوز شکرانه بجا نکرده بودم که خاتون در گوشه تخت نشست و گفت: جوانک آمیزش میکنی یا ختم قران داری؟!... برخاست قهر کرد و رفت و از کار نیکویم به مادر شکایت برده که این جوانک سُورخ را دعا گم کرده است و تقصیر از معلم ادبیات اش می باشد.

نمیدانستم چکار کنم؟! به همان ملا مانند شده بودم که خرش را گم کرده و شکر می کشیدم. پرسیدنش که خرت گم شده و شکر میکشی؟!، ملا گفت خوب شد که خودم سوارش نبودم ورنه حالا من هم گم شده بودم. اما من با خرِ فکرم یکجا گم شده ام؛ هرکس مرا یافت خانه نامزدم برساند تا بردستان خُشو، مهتاب بوسه بکارم؛ خواهش است....!

